

بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم

دکتر معصومه باقری^۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲۲

حسین ملتقت^۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر پیمایشی بوده که هدف آن بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب در بین شهروندان شهر اهواز میباشد. حجم نمونه ۵۵۰ مجرم و عادی تعیین شد که از این تعداد ۱۵۰ نفر مجرم و ۴۰۰ نفر غیر مجرم (عادی) بوده اند که به شیوه نمونه‌گیری طبقه بندی چند مرحله‌ای انتخاب شده اند. در این تحقیق از تئوریهای ساترلند و شاو و مکی برای چارچوب نظری استفاده شده است. در سطح استنباطی از آزمون χ^2 (کی دو یا کای اسکور) و همچنین ضرایب فی، کندال، کرامرز و ضریب همبستگی برای آزمون فرضیه‌ها بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، منطقه محل سکونت، با متغیر وابسته جرم رابطه معنی داری را نشان می دهد در حالیکه متغیرهای مستقل سن، اشتغال و از هم گسیختگی خانوادگی با متغیر وابسته جرم رابطه معنی داری را نشان نمی دهد.

کلیدواژه‌ها:

قومیت / جرم / مجرم / پایگاه اقتصادی - اجتماعی.

۱- استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

مناطق صنعتی فعال به عنوان قطب‌های جاذب جمعیت، به فراخوانی نیروی کار از نقاط مختلف کشور خویش یا دیگر کشورهای جهان پرداختند و مازاد جذب نشده این نیروها را در سکونت‌گاه‌هایی نامناسب یا سرپناه‌هایی سرهم‌بندی شده در نقاطی از شهر گرد هم آوردند و بدین گونه، حاشیه‌نشینی پدید آمد. از زمان پیدایش حاشیه‌نشینی در شهرها همواره این مناطق توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و مسئولان امر را به خود جلب می‌کرده است؛ زیرا این مناطق به دلیل برخوردار نبودن از امکانات رفاهی لازم و فقر اقتصادی، پایین بودن طبقات اجتماعی، بی‌سوادی، آشنا نبودن با فرهنگ شهری، نبود امکانات تفریحی و ورزشی و از همه مهم‌تر عدم اشتغال جوانان، همواره بستری را فراهم می‌آورده‌اند تا افراد حاشیه‌نشین به سوی انحرافات اجتماعی و جرایم مختلف کشیده شوند؛ انحرافات از قبیل دزدی، تجاوز به حقوق دیگران، ایجاد ضرب و جرح، روابط نامشروع، اعتیاد و جرایم و کج‌رفتاری‌های بسیار دیگر که جامعه را به ابتدال و فساد رهنمون می‌سازد.

کج‌رفتاری، تخلف عمدی از هنجارهای اجتماعی است. با مطالعه کج‌رفتاری درک بهتری از نظم اجتماعی به دست می‌آید و چگونگی سازمان یافتن الگوها و شیوه‌های زندگی کج‌رفتاران نیز مشخص می‌شود. کج‌رفتاری به عنوان یک پدیده اجتماعی حداقل از دو طریق عمده مورد مطالعه قرار گرفته است: الف) به عنوان واقعیتهای عینی؛ ب) به عنوان مسئله‌ای ذهنی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳). البته از بین رفتن هنجارهای غیررسمی باعث شده تا اهمیت زندگی از میان برود و تمام امور و فعالیت‌ها یکنواخت شود و رضایت از زندگی

کاهش یابد. از طرف دیگر، نهادهای جایگزین نیز برای تولید این هنجارها و روابط متقابل اجتماعی در شرایط جدید جامعه ایجاد نشده است، که این عامل باعث برخی از پیامدهای اجتماعی از جمله: افزایش جرم و جنایت، فقر، بزهکاری و به طور کلی آسیب‌های مختلف اجتماعی در جامعه شده و وضعیت بحرانی خاصی را برای جامعه ایجاد کرده است (شارع‌پور، ۱۳۸۰).

در واقع، قومیت و تمایلات فرهنگی دربارهٔ محل سکونت و هنجارهای شکل‌دهندهٔ خانوادگی و همچنین تهیهٔ امکانات زندگی با سایر تقاضاها برابری می‌کند. با وجود تنوع بسیار، همهٔ مهاجران با نیازهای مشابهی که همانا محلی برای سکونت است وارد مناطق جدید می‌شوند، که زمینه‌ساز پیدایش مناطق حاشیهٔ شهرها خواهد شد (ولف، ۲۰۰۵). یکی از پیامدهای اصلی رشد جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهرها و سکونت در حاشیهٔ شهرها و در نهایت، حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی است (رسولی، ۱۳۸۲).

حاشیه‌نشینی که پیامد رشد بیش از حد شهرنشینی است مسائل و مشکلات زیادی را به همراه دارد؛ از جمله خشونت، بزهکاری، جنایت و غیره. مردمی که در حاشیه زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده‌اند، خود را در حل مشکلات زندگی تنها می‌یابند. آنها در اثر فقدان مشارکت و نداشتن نقش فعال در امور اجتماعی، کم‌کم نسبت به مسائل جامعه نیز بی‌تفاوت می‌شوند و خود را در حاشیه نگه می‌دارند. این امر زمینه‌ساز خطرات جدی برای توسعه و پیشرفت جامعه خواهد شد (ابراهیمی مقدمیان، ۱۳۸۱: ۹).

مقایسهٔ نسبت زندانیان به جمعیت کشور در دورهٔ بیست و یک ساله، یعنی از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۹، نشان دهنده رشد قابل ملاحظهٔ ارتکاب جرم و ناهنجاری است.

در سال ۱۳۵۸ به ازای هر صد هزار نفر جمعیت تنها ۴۱ نفر در زندان‌ها به سر می‌بردند در حالی که این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۱۳۰ زندانی و در سال ۱۳۷۵ به ۲۳۲ نفر و سرانجام در سال ۱۳۷۹ به ۲۴۷ نفر افزایش یافته است (سازمان زندان‌ها، ۱۳۷۹). محققان غربی نیز بر اساس تحقیقات انجام یافته دریافتند که بین جرم و بزهکاری از یک سو و متغیرهای جنسیت، سن، نژاد، طبقه اجتماعی و شرایط زیست‌بومی از سوی دیگر، همبستگی وجود دارد (کوهن و شورت^۱، ۱۹۷۱).

در حاشیه قرار گرفتن جوانان، با خطرات بیشتری همراه است. این قشر گاه علاوه بر جامعه از خانواده نیز جدا می‌شوند و فرهنگ تازه ای ایجاد می‌کنند. از آنجا که این قشر به گفته ربانی، احساس جزیره‌ای دارند، برای خود فرهنگ جزیره‌ای می‌سازند. از این رو غافل ماندن از این عده و مسائلشان خسارات جبران‌ناپذیری نظیر ایجاد اغتشاش، اوباشگری، هیپیگری و انواع جرایم و بزهکاری‌ها را برای جامعه به همراه خواهد داشت (ربانی، ۱۳۸۰). مناطق حاشیه‌نشین تازه گسترش یافته، همواره پرسش برانگیز بوده‌اند. این پدیده حتی ممکن است افزونتر از نقاط داخلی شهر به چشم آید. با این همه، مناطق حاشیه‌نشین جای ثابتی در دستور کار تحقیقات ندارند (لوپی، ۲۰۰۶).

بیان مسئله

اطلاعات موجود بیانگر میزان بالای ارتکاب جرم، بی‌نظمی و هنجارشکنی از سوی برخی افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، در شهر اهواز این احتمال در ذهن قوت می‌گیرد که بین وقوع جرم جوانان و زندگی در محله‌های حاشیه‌نشین همبستگی وجود دارد. بسیاری از

1-Cohen and Short

رفتارهایی که طبق فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه، کجروی یا انحراف به شمار می‌آیند، در مناطق حاشیه‌نشین امری عادی به شمار می‌آیند. در بسیاری از کشورها و مناطقی که با معضل حاشیه‌نشینی مواجه‌اند، مشکلات اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی مانند بالا رفتن میزان جنایت، روسپیگری، اعتیاد و خرید و فروش و مواد مخدر، بزهکاری، سرقت و قاچاق در مقایسه با مناطق متعارف شهری فراوان‌تر است. با وجود در محافل انتظامی، دادگستری و علمی شاهد هستیم که برای بیان میزان وقوع جرایم در مناطق و شهرهای مختلف، صرفاً به اعلام به شمار وقوع جرایم مختلف و تعداد مجرمان و دستگیرشدگان آن مناطق بسنده می‌کنند و بر اساس همین اعداد و ارقام به مقایسه و ارزیابی میزان جرایم و مجرمان آن مناطق با مناطق دیگر می‌پردازند، اما توجه ندارند که تنها بیان تعداد وقوع جرایم و مجرمان بدون در نظر گرفتن جمعیت و میزان مساحت جغرافیایی آن مناطق و شهرها اعتبار و اطمینان علمی لازم را برای ارزیابی و مقایسه مناطق مختلف، نخواهد داشت. با تکیه بر فعالیت نیروی انتظامی شهر اهواز، این پژوهش می‌کوشد ارتباط شرایط اجتماعی - اقتصادی محل سکونت را با نوع رفتار و فعالیت مجرمانه آنان شناسایی کند. بنابراین، اهمیت مسئله جرایم و حاشیه‌نشینی، علاوه بر پاسداری از ارزش‌های اعتقادی و انسانی، به دلیل حفظ انتظام و امنیت ملی و منافع اجتماعی و اقتصادی، آشکار است. همچنین از آن جا که جرایم یک بحران و مسئله اجتماعی است، لذا ضرورت دارد که سازمان‌های امنیتی و انتظامی، برنامه‌ریزان و مسئولان منطقه درباره آن آگاهی بیشتری حاصل کنند تا به هنگام اقدام‌ها و نظارت‌ها، اولویت‌ها را مشخص کنند.

سؤالات تحقیق

آیا در مناطق حاشیه‌نشین که از امکانات رفاهی، فرهنگی و اجتماعی کمتری برخوردارند، این کمبود سبب ساز آن می‌شود تا افراد ساکن در آن مناطق برای رسیدن به خواسته‌هایشان به طرف رفتار مجرمانه کشیده شوند؟
آیا عوامل جمعیت‌شناختی (سن، جنس، اشتغال و ...) با عملکرد مجرمانه، رابطه دارد؟

آیا ارتباط با دوستان یا خانواده افراد منحرف در رفتار مجرمانه تأثیرگذار است؟

آیا بین عوامل حاشیه‌نشینی و رفتار مجرمانه رابطه وجود دارد؟
هدف از این تحقیق، مطالعه‌ی عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب جرم در مجرمان شهر اهواز است.

مروری بر تحقیقات پیشین

در پژوهش پوراحمد و رهنمایی که در سال ۱۳۸۲ با عنوان «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران» انجام شده است، نتایج نشان داده که بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم، مانند تاریکی و خلوتی محیط، ارتباط معناداری وجود داشته است. افزون بر این تراکم جمعیت عامل مؤثر در بروز جرم به شمار می‌آید. این پدیده در بخش مرکزی شهر تهران سبب افزایش میزان جرایم بوده است (پوراحمد و رهنمایی، ۱۳۸۲).

یافته‌های تحقیق بیانلو و منصوریان در سال ۱۳۸۲ با عنوان «رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم و همچنین شناسایی نقاط جرم‌خیز و جرایم خاص

هر یک از مناطق هشت‌گانه شهر شیراز» که جامعه آماری آن کلیه مجرمان دستگیر شده شهر شیراز در سال ۱۳۸۲ و جمعیت نمونه آن نیز ۲۶۵۳ نفر مجرمان هشت جرم قتل، آدم‌ربایی، سرقت‌های مسلحانه، جعل اسناد، کلاهبرداری و غصب عناوین، کیف قاپی و سرقت‌های عادی بوده است، آشکار ساخت که در خصوص رابطه بین سابقه کیفری، تحصیلات و سن با نوع جرم، بررسی در دو سطح انجام گرفت که در سطح اسمی رابطه معناداری بین آنها با نوع جرم حاصل شد، ولی در سطح ترتیبی بین سن و نوع جرم رابطه معناداری به دست نیامد. تراکم جمعیت با متغیرهای میزان قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف قاپی و سرقت‌های عادی رابطه معناداری داشت، ولی تراکم جمعیت با متغیرهای میزان آدم‌ربایی، سرقت‌های مسلحانه و غصب عناوین رابطه معناداری نداشت (بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۵).

نتایج یافته‌های مطالعه پوراحمد و کلانتری در سال ۱۳۸۱ درباره نقش مهاجران در نوع و میزان جرایم ارتكابی در شهر تهران، نشان داد که تنوع و تفاوت‌های قومی و فرهنگی در بخش‌های مختلف کشور در شکل‌دهی الگوهای رفتاری افراد جامعه و از جمله بزهکاران تأثیر دارد و با تغییر خاستگاه فرهنگی مبدأ مهاجرت این افراد، گرایش به نوع جرم ارتكابی آنها نیز تغییر می‌کند (پوراحمد و کلانتری، ۱۳۸۱).

یافته‌های پژوهشی ارشاد با عنوان تأثیر شرایط زندگی در محله‌های مسکونی فقرا لود بر بزهکاری جوانان و نوجوانان در جامعه شهری اهواز، در سال (۱۳۸۱) آشکار کرد که بین دشواری زندگی و شدت غیرمتعارف بودن مسکن و بزهکاری، رابطه وجود دارد. همچنین مشاهده شد که احتمالاً میزان بزهکاری در

مناطق مسکونی نابهنجار بالاتر است. بر اساس داده‌های این تحقیق چنین استنباط می‌شود که هر چه مرتبه آموزش و سواد و آگاهی فرد بالاتر باشد، احتمال ارتکاب وی به بزهکاری کمتر می‌شود. همچنین اگر فرد از اشتغال باثبات‌تر و رضایت‌بخش‌تر برخوردار باشد، احتمال هنجارشکنی و بزهکاری در وی کاهش می‌یابد. نتایج به دست آمده حاکی از این است که بین شدت بزهکاری و شدت نامتعارف و فقیرانه بودن سکونت‌گاه رابطه قوی وجود دارد، بدین معنا که هر چه جوان یا نوجوان در سکونت‌گاهی نامتعارف‌تر و نامطلوب‌تر زندگی کند، احتمال دارد محرومیت‌ها و فشار زندگی او را به ارتکاب بزهکاری شدیدتری وادار کند. همچنین محرومیت اقتصادی جوانان و نوجوانان باعث شده است تا میزان سرقت و سپس خشونت علیه نظم عمومی در مناطق حاشیه‌نشین، بالاترین فراوانی را به خود اختصاص دهد (ارشاد، ۱۳۸۱).

در پژوهش نیک اختر در سال ۱۳۷۹ درباره عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه، یافته‌های تحقیق آشکار ساخت که جوانان متعلق به سکونت‌گاه‌های طبقات پایین بیشتر از جوانان متعلق به سکونت‌گاه‌های طبقات بالا در فعالیت‌های خرابکارانه مشارکت داشته‌اند. جوانان مهاجر بیشتر از جوانان بومی مرتکب رفتارهای خرابکارانه شده‌اند. میزان رفتار خرابکارانه جوانان بر حسب این که مادرانشان شاغل یا غیرشاغل بوده‌اند، متفاوت است. جوانانی که عضو خانواده‌های نابسامان بوده‌اند، در رفتارهای خرابکارانه مشارکت بیشتری داشته‌اند. در جامعه مورد مطالعه، هر چه جوانان وضعیت تحصیلی بهتری داشته‌اند، از میزان رفتار خرابکارانه آنها کاسته شده است. هر اندازه پایه تحصیلات پدر پاسخگویان افزایش یافته است، فرزندان آنها

در رفتارهای خرابکارانه مشارکت کمتری داشته‌اند همچنین هر چه منزلت شغلی پدر پاسخگویان بالاتر رفته، میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های خرابکارانه کاهش یافته است. در جامعه مورد مطالعه هر چه میزان دلبستگی و مشارکت خانوادگی جوانان افزایش یافته از میزان رفتارهای خرابکارانه آنها کاسته شده است. در جامعه مورد بررسی هر چه میزان دلبستگی و معاشرت پاسخگویان با دوستان خود بیشتر بوده، فعالیت‌های خرابکارانه‌اش نیز افزایش یافته است. همچنین هر چه میزان فعالیت جوانان در برنامه‌هایی نظیر برنامه‌های ورزشی، علمی، هنری و غیره بیشتر شود، از میزان مشارکت آنها در اعمال خرابکارانه کاسته می‌شود، یعنی بین نحوه گذراندن اوقات فراغت و رفتار خرابکارانه جوانان رابطه معنادار وجود دارد (نیک اختر، ۱۳۷۹).

در پژوهش شیری در سال ۱۳۷۶ با عنوان اثرات عوامل جامعه‌پذیری بر رفتار بزهکارانه جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله در شیراز، نتایج تحقیق بین ۴۴۱ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی، حاکی از آن بود که بین جنس و رفتار بزهکارانه رابطه معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. متغیر سن به تنهایی در رفتار بزهکارانه جوانان، ۹۹ درصد دارای همبستگی مثبت و معنادار بوده است. بین متغیر دلبستگی‌های جوانان به ویژه پسران به دوستان بزهکار و رفتار بزهکارانه آنها همبستگی مثبتی در سطح ۹۹ درصد دیده شده است. دو عامل افت تحصیلی و ازهم‌پاشیدگی خانواده رابطه معناداری با رفتار بزهکارانه پسران مورد مطالعه نداشته‌اند. ساخت خانواده به عنوان یکی از متغیرهای اساسی مؤثر بر رفتار بزهکارانه، همبستگی معناداری در سطح ۹۵ درصد نشان داد و پسرانی که متعلق به خانواده‌های طبقات پایین جامعه بوده‌اند، بیشتر مرتکب فعالیت‌های بزهکارانه

شده‌اند. همچنین از این تحقیق می‌توان این نتیجه کلی را گرفت که یک نظریه به تنهایی قادر به تبیین رفتار بزهکارانهٔ جوانان نخواهد بود (شیری، ۱۳۷۶).

به اعتقاد کتله، جرایم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن، مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان است (انسلین، ۲۰۰۰). از دیدگاه والتر میلر، جوانان قشر پایین جامعه با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، زیرا این طبقه در آرزوی یک زندگی خوب، دستیابی به امکانات بهتر را غیرممکن می‌داند و خواه-ناخواه به سوی انواع جرم‌ها کشانده می‌شوند (والتر میلر، ۱۹۸۵). اصطلاح مکان‌های جرم‌خیز بیانگر یک مکان با میزان بالای جرم است. محدودهٔ این مکان بخشی از شهر، یک محلهٔ کوچک یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریفی دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دورهٔ زمانی یک ساله دانسته است (ترنر، ۱۹۹۸).

برخی محدوده‌ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود عناصر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، ارتكاب جرایم در آن‌ها بیشتر است گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها و حواشی شهر، دارای این خصیصه هستند (شرمن، ۱۹۸۹). پس از مطالعاتی در محلات کثیف میل واکي در مرکز شهر، این نتایج به دست آمد که این محلات ۶۹ درصد از غارت‌گری‌ها و حملات، ۲۱ درصد از جرم‌های مربوط به ایجاد ضرب و جرح شدید و سایر بزهکاری‌های مشابه، ۶۰ درصد از آدم‌کشی‌های عمدی، ۷۲ درصد از سوءاستفاده‌ها و دزدی‌های تجاری و ۲۲ درصد از مشروب‌خواری‌های شهر را

به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۷۲ درصد از کسانی که به جرم توزیع مواد مخدر دستگیر شده‌اند، متعلق به این محله‌ها هستند. مطالعاتی که در شهرهایی از قبیل ایندیاناپولیس، فلوریدا، جک سانویل و کلیوند صورت گرفت به نتایج مشابهی نظیر ارتکاب جرایم فوق رسیدند (به نقل از فرجاد، ۱۳۷۵). بر همین اساس، ویلسون^۱ و کلینگ^۲ در سال ۱۹۸۲ با ارائه نظریه پنجره‌های شکسته معتقدند که عدم مراقبت عمومی و به هم ریختگی محیطی و وجود رفتارهای بی‌ادبانه در این مکان‌ها موجب افزایش جرم می‌شود (پرکینس، ۱۹۹۳).

مبانی نظری پژوهش

در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری بر چهار عامل کلیدی قانون، مجرم، قربانی جرم، (شیء یا شخص) و مکان جرم (محدوده خاص زمانی و مکانی که وقایع مجرمانه در آن اتفاق می‌افتد) بسیار تأکید می‌شود (براون، ۲۰۰۰). در دیدگاه اکولوژیکی، ارتباط میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مبین منزلت‌های پایین جامعه است (شکویی، ۱۳۶۹).

در تئوری محرومیت نسبی، جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف، هم تولید فشار می‌کند و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود زیرا شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام به خشونت و جرم می‌انجامد. در جوامعی که در آنها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از

1-Willson

2-Kelling

این افراد خواهد شد. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که در چنین شرایطی مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد و در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردارند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آنها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کمتری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین دلیل، اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. در نتیجه، این احساس محرومیت، باعث به وجود آمدن احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌شود و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد. در نتیجه، شانس پیشرفت آنها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌شود و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (مشکاتی، ۱۳۸۳).

در تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، شاو و مک کی (۱۹۴۲) فرض کرده‌اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ باعث ایجاد روابط انسانی سطحی می‌شوند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش می‌دهد و کنترل و نظارت رسمی را ضروری خواهد کرد. این نتایج بی‌سازمانی اجتماعی با فقر و تحرک گزینشی جمعیت در اطراف شهرها همراه می‌شود و به ضعف کنترل اجتماعی می‌انجامد که افزایش میزان خشونت را در پی دارد (گالیه^۱ و دیگران، ۲۰۰۲). البته تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی (۱۹۴۲) و به تازگی بررسی‌های بورسیک (۱۹۸۶) و (۱۹۸۸)، سمپسن (۱۹۸۵، ۱۹۸۶ a، ۱۹۸۶ b، ۱۹۸۶ c و ۱۹۸۷) و دیگران روی سازگاری گروهی نسبت به فرایندهای اجتماعی از قبیل شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تأکید دارد. بدین جهت

استدلال اساسی تئوری بی‌سازمانی اجتماعی کلاسیک شاو و مک کی بر ایده «جرم در نتیجه کاهش کنترل‌های اجتماعی غیر رسمی پدید می‌آید» استوار است. زمانی که اجتماعات نابسامان می‌شوند، همسایه‌ها نسبت به نظارت و بازبینی خاطیان بالقوه بی‌میل می‌شوند و پیامد این بی‌میلی و عدم مسئولیت نسبت به رفتار دیگران، افزایش رفتارهای کجرو خواهد بود. بر این اساس، مناطقی که از نظر اقتصادی - اجتماعی به صورت یکسان محروم بوده‌اند، بر خلاف تغییرات در ترکیب قومی و نژادی‌شان، میزان بزهکاری بالایی را در طول مدت جرم نشان می‌دهند. البته این تئوری‌ها بر تبیین فرایندهای اجتماعی که افراد را صرف نظر از نژاد، طبقه، سن و جنس آنها، مستعد ارتکاب جرم می‌سازند، تأکید دارند. همچنین بر طبق تئوری پیوند افتراقی ساترلند، هر چه روابط فرد با گروه‌های همسال کجرو بیشتر باشد، احتمال زیادی وجود خواهد داشت که او مرتکب جرم شود. عوامل چندی این تأثیرپذیری را تعیین می‌کنند:

۱. اولین عامل شدت تماس‌هایی است که با دیگران برقرار می‌شود. یک شخص بیشتر از اینکه از آشنایان کجرو دور خود متأثر شود، تحت تأثیر دوستان منحرف و اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد.
۲. دومین عامل سن شخص به هنگام برقراری تماس با دیگران است. تأثیرپذیری از دیگران در ایام کودکی و جوانی بسیار قوی‌تر از دوران‌های دیگر زندگی است.
۳. سومین عامل، نسبت تماس با کجروان در مقایسه با هم‌نویان است (صدیق، ۱۳۸۲).

از نظر ساترلند، فرایند یادگیری رفتار بزهکارانه، شامل روش‌های تبهکاری،

انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی‌های لازم برای آن است. تئوری‌های یادگیری اجتماعی معتقدند که جرم از طریق یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای جرم-آمیز ایجاد می‌شود (زیگل، ۲۰۰۱).

این پژوهش با تأکید بر دیدگاه‌های ساترلند، شاو و مک کی به بررسی و سنجش مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جرم‌زایی و نابسامانی‌ها و انحرافات اجتماعی می‌پردازد.

فرضیات پژوهش

- بین محل سکونت و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جنس پاسخگو و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین قومیت و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین از هم گسیختگی خانوادگی و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین یادگیری جرم و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش، روش پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه و واحد تحلیل، فرد است. همچنین از روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

پژوهش حاضر پیمایشی است و جمعیت آماری آن کلیه شهروندان اهواز هستند که با توجه به متغیر اصلی تحقیق، یعنی ارتکاب جرم به دو گروه افراد مجرم و عادی تقسیم شدند. جمعیت آماری گروه مجرم، از زندانیان و گروه دوم یا غیرمجرم از شهروندان معمولی انتخاب شدند که در مرحله بعد، از دو گروه نمونه‌گیری شد. با توجه به بررسی جوانب و محدودیت‌های امنیتی و مسائل اجتماعی قومیتی منطقه، حجم نمونه مورد مطالعه در گروه شهروندان عادی با توجه به فرمول کوکران ۳۸۱ نفر تعیین شد که برای کاهش خطا ۴۰۰ نفر؛ و برای گروه مجرمان ۱۵۰ نفر در نظر گرفته شد؛ در کل نمونه مورد بررسی شامل ۵۵۰ مجرم و غیر مجرم بود. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی چند مرحله‌ای استفاده شده است.

ابزار پژوهش

به منظور تعیین اعتبار و روایی تحقیق، اعتبار صوری در نظر گرفته شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده که معادل ۰/۷۵

استخراج شده است که نشانگر همسازی و پایداری درونی بسیار بالای پرسشنامه است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از نرم‌افزار کامپیوتری *SPSS* برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است، تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شده است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی درصد به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری، از آزمون χ^2 (کیدو یا کای اسکور) و همچنین ضرایب فی، کندال، کرامرز و ضریب همبستگی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۳۱/۱ درصد از پاسخگویان زن و ۶۷/۷ درصد مرد بوده‌اند. از این تعداد ۵۶/۳ درصد غیرمجرم و ۴۳/۷ درصد مجرم بوده‌اند. سن ۱۵/۴ درصد پاسخگویان زیر ۲۰ سال و ۲۳/۱ درصد آنها بین ۲۰ تا ۲۴ بوده که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال، کمترین درصد را داشته‌اند. از نظر میزان تحصیلات پاسخگویان، ۱۰/۱ درصد بی‌سواد، ۱۶/۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۲/۱ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۷/۶ درصد دارای تحصیلات دبیرستان، ۱۸/۹ درصد دیپلم، ۱۹/۹ درصد فوق دیپلم، ۴/۷ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. بر همین اساس ۵۰/۹ درصد از پاسخگویان شاغل و ۴۹/۱ درصد غیر شاغل بوده‌اند. از کل پاسخگویان شاغل ۳۳/۷ درصد دارای شغل آزاد، ۱۱/۴ درصد کارمند، ۳/۴ درصد کشاورز، ۱/۴ درصد بازنشسته و ۰/۹ درصد نظامی بوده‌اند. وضعیت اشتغال

همسران پاسخگویان، ۴۰/۸ درصد، همسرانشان شاغل و ۵۹/۲ درصد غیرشاغل بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، از کل پاسخگویان ۵۰ درصد مجرد، ۴۲/۵ درصد متأهل، ۳/۴ درصد طلاق گرفته بودند و ۲/۰ درصد همسر فوت شده و ۱/۲ درصد وضعیت متارکه داشته‌اند. ۵۶/۳ درصد از پاسخگویان در حاشیه و ۴۳/۷ درصد آنان غیر حاشیه‌نشین بودند.

یافته‌ها در زمینه نوع جرم مجرمان نشان می‌دهد که ۴۴/۱ درصد آنان مرتکب سرقت، ۱۵/۹ درصد مرتکب قتل، ۱۲/۴ درصد مرتکب جرایم مربوط به مواد مخدر، ۸/۳ درصد مرتکب جرایم اخلاقی، ۵/۵ درصد مرتکب نزاع و درگیری، ۵/۵ درصد اقدام علیه امنیت، ۰/۷ درصد مرتکب جرم مشروبات الکلی، ۲/۸ درصد مرتکب جرم خیانت در امانت، ۳/۴ درصد مرتکب جرایم راهنمایی و رانندگی و ۱/۴ درصد مرتکب سایر جرایم شده‌اند. برحسب مدت محکومیت مجرمانی که در زندان به سر می‌برند، یافته‌ها نشان می‌دهد محکومیت ۳۱/۱ درصد از مجرمان بیش از ۵ سال و بعد از آن یک تا دو سال با ۲۱/۲ درصد در رده دوم بوده است. قومیت پاسخگویان، ۵۳ درصد عرب، ۲۹ درصد لر، ۱۵/۵ درصد فارس، ۱/۴ درصد کرد و ۰/۷ درصد ترک و ۰/۴ درصد بلوچ بوده‌اند.

جدول ۱- محل سکونت و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Chi-Square	Phi	df	Sig
محل سکونت	۷/۸۳۳	۰/۱۵۰	۱	۰/۰۰۵

جدول ۱ بررسی رابطه بین متغیر محل سکونت با متغیر ارتکاب جرم را نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان X^2 (۷/۸۳۳) و سطح معناداری $Sig = ۰/۰۰۵$ ، در سطح ۹۵ درصد اطمینان و همچنین

میزان ضریب Phi که همبستگی بین متغیرها را ۰/۱۵۰ نشان می‌دهد، می‌توان گفت که بین دو متغیر محل سکونت و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. حدود ۶۵ درصد از مجرمان حاشیه‌نشین بوده و ۳۵ درصد در مرکز شهر سکونت داشته‌اند. فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

جدول ۲- جنس پاسخگو و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	<i>Chi-Square</i>	<i>Phi</i>	<i>df</i>	<i>Sig</i>
جنس	۱۴/۴۰۹	۰/۲۰۴	!	۰/۰۰۰

جدول ۲ بررسی رابطه بین متغیر جنس پاسخگو و متغیر ارتکاب جرم را نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان χ^2 (۱۴/۴۰۹) و ضریب فی (۰/۲۰۴) و سطح معناداری ($sig = ۰/۰۰۰$) با ۹۹ درصد اطمینان، می‌توان گفت که بین دو متغیر جنس و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- قومیت و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	<i>Chi-Square</i>	<i>Kendalls tau-c</i>	<i>df</i>	<i>Sig</i>
قومیت	۳۰/۱۰۰	-۰/۱۷۵	۵	۰/۰۰۰

با توجه به مقدار χ^2 (۳۰/۱) و مقدار سطح معناداری به دست آمده ($sig = ۰/۰۰۰$) می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری بین متغیر قومیت و ارتکاب جرم در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. همچنین میزان ضریب Phi که همبستگی بین

متغیرها را ۰/۱۵۰ نشان می‌دهد، حاکی از معنادار بودن رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است. بنابراین، فرضیه مذکور با فاصله اطمینان $P < ۰/۰۵$ تأیید می‌شود.

جدول ۴- میزان تحصیلات و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Chi-Square	Kendall s tau-c	df	Sig
میزان تحصیلات	۷۹/۶۲۶	-۰/۴۸۶	۶	۰/۰۰۰

همان‌طور که می‌دانیم شاخص تاو بی کندال ۱ با در نظر گرفتن داده‌های گره‌دار هر یک از متغیرها، اختلاف P (جفت‌های هماهنگ) و Q (جفت‌های ناهماهنگ) را نرمال می‌کند و دامنه این شاخص از -۱ تا ۱ تغییر می‌یابد. این شاخص برای زمانی مناسب است که جدول توافقی به صورت مربع باشد (نگهبان، ۱۳۸۲). شاخص تاو ۱- C کندال برای جداول مختلف قابل استفاده است و مقدار آن نیز بین -۱ تا +۱ تغییر می‌کند. بر همین اساس با توجه به مقدار X^2 (۷۹/۶۲۶) و میزان تاو ۱- C کندال (-۰/۴۸۶) و علامت منفی آن می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری بین متغیر میزان تحصیلات و ارتکاب جرم وجود دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری $Sig = ۰/۰۰۰$ می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان تحصیلات و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه معکوس است، بدین معنا که هر چه میزان تحصیلات بالاتر رود ارتکاب جرم کمتر می‌شود و برعکس، هر چه میزان تحصیلات کمتر شود ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. و فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۵- اشتغال و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Chi-Square	Kendall s tau-c	df	Sig
وضعیت اشتغال	۰/۱۶۰	۰/۰۰۵	۱	۰/۶۸۹

با توجه به مقدار χ^2 دو (۰/۱۶۰) و همچنین مقدار سطح معناداری (۰/۶۸۹) = sig به دست آمده، رابطه معناداری بین متغیر و وضعیت اشتغال و ارتکاب جرم وجود ندارد. همچنین میزان ضریب Phi که همبستگی بین متغیرها را ۰/۰۰۵ بیان می‌کند، حاکی از معنادار نبودن رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل است. بنابراین فرضیه مذکور تأیید نمی‌شود، بدین معنا که عامل اشتغال در ارتکاب به جرم مجرمان، تأثیرگذار نبوده است.

آزمون فرضیه ششم: بین ازهم‌گسیختگی خانواده و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶- ازهم‌گسیختگی خانواده و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Chi-Square	Phi	df	Sig
ازهم‌گسیختگی خانواده	۱/۶۶	-0/069	۱	۰/۱۹۸

جدول ۶ بررسی رابطه بین متغیر ازهم‌گسیختگی خانواده و متغیر ارتکاب جرم را نشان می‌دهد. با توجه به میزان χ^2 دو (۱/۶۶) و سطح معناداری ($sig = ۰/۱۹۸$) بین متغیر ازهم‌گسیختگی خانواده و متغیر ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۷- پایگاه اقتصادی - اجتماعی و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Chi-Square	Kendall s tau-c	df	Sig
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۶۰/۳۷۱	-۰/۲۶۰	۳	۰/۰۰۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق مقدار χ^2 دو (۶۰/۳۷۱) و میزان $C-1$ کندانال (-۰/۲۶۰) و علامت منفی آن، می‌توان بیان کرد که رابطه معناداری بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ارتکاب جرم وجود دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری $sig = ۰/۰۰۰$ - می‌توان گفت که بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ارتکاب جرم، رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه معکوس است، بدین معنا که هر چه طبقه اجتماعی بالاتر رود، ارتکاب جرم کمتر می‌شود و برعکس، هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین‌تر باشد، احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. داده‌ها حکایت از آن دارند که حدود دو سوم مجرمان پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین دارند. بنابراین، فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول ۸- رابطه سن و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	Beta	انحراف استاندارد	آزمون Wald	df	sig
سن	-.002	.011	.031	1	0.859

با توجه به داده‌های جدول و مقدار آزمون $Wald (0/031)$ و همچنین مقدار سطح معناداری (0.859) به دست آمده، می‌توان بیان کرد که بین متغیر سن و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود ندارد. پس فرضیه فوق تأیید نمی‌شود.

جدول ۹- یادگیری جرم و وضعیت فرد از نظر ارتکاب جرم

متغیر	وزن بنا	انحراف استاندارد	آزمون Wald	درجه آزادی	سطح معناداری
یادگیری جرم	.182	.041	۱۹/۲۸۵	1	0.000

با توجه به داده‌های جدول و مقدار آزمون Wald (19/285) و همچنین مقدار سطح معناداری (0.000) به دست آمده، یافته‌ها نشان می‌دهند که بین یادگیری جرم و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد و با سطح ۹۵ درصد اطمینان، فرضیه تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

حدود ۶۵ درصد از مجرمان حاشیه‌نشین بوده و ۳۵ درصد در مرکز شهر سکونت داشته‌اند. البته مناطقی که از نظر اقتصادی - اجتماعی به صورت یکسان محروم بوده‌اند، بر خلاف تغییرات در ترکیب قومی و نژادی‌شان، میزان بزهکاری بالایی را در طول مدت جرم نشان می‌دهد؛ علی‌رغم چیزی که جمعیت آنها تجربه کرده بود. مهم‌ترین کانون‌های جرم‌خیز که در محدوده‌های مسکونی واقع‌اند، در رتبه نخست عبارت‌اند از: مکان‌های با تعداد بالای نوع جرایم واقع شده در این محل‌ها را قاچاق مواد مخدر، جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب و جرح) و اعمال منافعی عفت تشکیل می‌دهد. گفتنی است که در محل سکونت مجرمان تعداد جرایم مالی (صدور چک بلا محل و کلاهبرداری) بسیار کم است یا اصلاً وجود ندارد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که نوع و میزان ارتکاب جرایم در همه مناطق مسکونی مجرمان یکسان نیست. تنوع شرایط و امکانات زندگی، قومیت و

مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی سبب شده است تا ارزش‌ها (مادی و معنوی)، هنجارها و باورداشت‌های ساکنان مناطق مختلف شهر یکسان نباشد. در واقع، وضعیت اقتصادی - اجتماعی بسیاری از افراد مجرم حتی از کمترین استانداردهای رایج در جامعه نیز پایین‌تر است و با چالش‌های فزاینده‌ای نظیر نبود اشتغال و درآمد کافی برای رفع نیازهای روزمره خود و خانواده و گرانی مسکن مواجه‌اند. به طور کلی مجموعه عوامل و وضعیت نامساعد فوق از علل اصلی و مثبت در هدایت این افراد به سوی قانون‌شکنی و کجروی به شمار می‌روند.

نتایج مربوط نشان می‌دهد که بین متغیرهای تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان جرایم رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، بدین صورت که هر چه میزان تحصیلات افراد بیشتر باشد جرایم کمتری از آنها مشاهده می‌شود. همچنین با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ارتکاب جرم در آنها کاهش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر جنس تأثیر معناداری روی جرم داشته است، بدین معنا که زنان در مقایسه با مردان در این پژوهش به طور معناداری جرایم کمتری داشته‌اند. همچنین در پژوهش حاضر، منطقه محل سکونت نیز تأثیر معناداری روی جرم داشته است.

به عبارت دیگر، افرادی که در مناطق حاشیه‌ای و جرم‌خیز سکونت داشتند، نسبت به سایر افراد جرایم بیشتری مرتکب شده‌اند. این نتایج تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی (۱۹۴۲) را تأیید می‌کند که بر اساس آن، مناطق محروم از نظر اقتصادی - اجتماعی برخلاف تغییرات در ترکیب قومی و نژادی‌شان، میزان بزهکاری بالایی را در طول مدت جرم نشان می‌دهند.

بالاخره نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین یادگیری جرم و قومیت با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج، تئوری‌های یادگیری اجتماعی ساترلند را حمایت می‌کنند. تئوری‌هایی که معتقدند جرم از طریق یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت جرم‌آمیز ایجاد می‌شود.

بر اساس پژوهش شیری در سال ۱۳۷۶، (اثرات عوامل جامعه‌پذیری بر رفتار بزهکارانه جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله در شیراز) پسران متعلق به خانواده‌های طبقات پایین جامعه بیشتر مرتکب فعالیت‌های بزهکارانه شده‌اند. این نتایج همچنین با نتایج تحقیقات دیگر از جمله تحقیقات زیر نیز همخوانی دارد:

پوراحمد و رهنمایی (۱۳۸۲) که اظهار داشته‌اند بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم مثل تراکم جمعیت رابطه معناداری وجود دارد.

بیانلو و منصوریان (۱۳۸۲) که ثابت کردند رابطه معناداری بین سابقه کیفری، تحصیلات و سن با نوع جرم وجود دارد.

پوراحمد و کلانتری در سال (۱۳۸۱) که ثابت کردند تنوع و تفاوت‌های قومی و فرهنگی در بخش‌های مختلف کشور در شکل‌دهی الگوهای رفتاری افراد جامعه و از جمله بزهکاران تأثیر دارد.

پژوهش ارشاد (۱۳۸۱) که نشان داد هر چه سطح آموزش و سواد و آگاهی فرد بالاتر باشد، احتمال ارتکاب وی به بزهکاری کمتر می‌شود و اگر فرد از اشتغال باثبات‌تر و رضایت‌بخش‌تر برخوردار باشد احتمال هنجارشکنی و بزهکاری در وی کاهش می‌یابد. به علاوه محرومیت اقتصادی جوانان و نوجوانان باعث شده است تا میزان سرقت و خشونت علیه نظم عمومی در مناطق حاشیه‌نشین بالاترین فراوانی را به خود اختصاص دهد.

۱. ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۱). تأثیر شرایط زندگی در محله‌های مسکونی فقرا لود بر بزهکاری جوانان و نوجوانان در جامعه شهری اهواز. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خوزستان، اهواز.
۲. بیانلو، یوسف و منصوریان، محمد کریم (۱۳۸۵). فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۳. پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۲). بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، صص ۸۱-۸۹، تهران.
۴. جلیلی، مهتاز (۱۳۷۲). «بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان شهر شیراز». دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۵. ربانی، رسول (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جوانان. چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور.
۶. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (۱۳۷۹). نشریه دفتر آمار و خدمات رایانه‌ای (چاپ نشده)
۷. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۸. شکویی، حسین (۱۳۶۹). جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر). چاپ دوم، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
۹. شیرینی، احمد علی (۱۳۷۶). «بررسی اثرات عوامل جامعه‌پذیری بر رفتار

- بزهکارانه در شهر شیراز». شیراز، دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۶). «تحلیل نظریه‌های مربوط به کجروی‌های اجتماعی». نشریه علوم تربیتی، فصلنامه علمی و پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۱ و ۲، صص ۵۵-۶۶. تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۱۱. صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳)، مبانی جرم‌شناسی. جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱). «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
۱۴. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. میلر، دلبرت (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
۱۶. ناجا (۱۳۸۳). گزارش نظرسنجی بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق معاونت اجتماعی ارشاد.
۱۷. نیک اختر، علی (۱۳۷۹). «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی مؤثر بر خلافاکاری به عنوان رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های

شیراز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

منابع انگلیسی

- 1-Andreasen, Nancy C. & Donald, W. Black. (1995), Introductory Textbook of Psychiatry, Washington, American Psychiatric Press.
- 2-Anselin, Luc (2000). Spatial Analysis of Crime, Crime, National Institute of Justice (NIJ). From the World Wide web: <http://www.nij.com>.
- 3-Bohmstedt, G. W., (1993). Measurement. Hand Book of Survey Research, Edited by Peter H. Rossi, James D. Wright & Andy B. Anderson.
- 4-Cohen, A. K. & Short, JF. (1971) Crime and Juvenile Delinquency in: K. Merton and R. Nisbet, Contemporary Social Problems. 3 ed ed.
- 5-Jones, G.A. (Ed.) (2003) Urban Land Markets in Transition. Cambridge, MA: Lincoln Institute of Land Policy.
- 6-Katz, Rebecca S., (2002). "Re-Examining the Integrative Social Capital theory of Crime". Western Criminology Review 4 (1).
- 7-Lupi, T. (2006), "The suburban community question. Urban Studies," Volume 43, Issue 4, Pages 801-817.
- 8-Lenderman, Daniel. Layza, "Norman & Maria, Menendez Ana., (1999)." Violent Crime: Does Social Capital Matter": <http://www.Rose-ne.com>.
- 9-Lottiers, S. (1938), "Distribution of Criminal Offence in Metropolitan Regions", Journal of criminal Law, Criminology Police science, 29.
- 10-Mooya, Many M. and Cloete, Chris E. (2007) Informal Urban Property Markets and Poverty Alleviation: A Conceptual framework, Publisher: Routledge.
- 11-Perkins, D.D., A. Abraham, R.R., and Taylor B. (1993) "the Physical Environment of street Crime," Journal of Environmental Psychology, Vol. 13.

- 12-Shaw, C.R. & Mckay, H.D. (1931), "Social Factors in Juvenia Delinquency", Report on the Causes of Crime, vol. II., New York, Plenum Press.
- 13-Sherman, L. (1989). "Hotspots of predatory Crime, Routine Activities and the Criminology of Place". Criminology, vol 27.
- 14- Siegel, Larry. G. (2001), Criminology: Theories, Patterns, and Typologies, New York, Wadsworth.
- 15-Turner, J.H., (1998). "The structure of sociological theory". Six edition, Wadsworth publishing company, US.
- 16-White, R.C. (1932) "The Relation of Felonies to Environmental Factors in Indianapolis", Social Forces, 15 (4).
- 17-Wulff, M. (2005) "Immigrants and Housing Demand: International Experiences from Canada, Ireland, Hong Kong, Australia and the USA", Urban Policy and Research, Vol. 23,

Archive of SID